

قصه‌ی ما به سر نمی‌رسد اولدوز و کلاغ‌ها

لابد منتظرید ببینید آخرش کار عروسک و بچه‌ها کجا کشید... اگر قضیه‌ی «کلاغ‌ها» پیش نمی‌آمد، شاید اولدوز غصه‌مرگ می‌شد و از دست می‌رفت. اما پیدا شدن «ننه کلاغه» و دوستی بچه‌ها با «کلاغ‌ها» کارها را یک سره عوض کرد. اولدوز و یاشار دوباره سر شوق آمدند و چنان سخت کوشیدند که توانستند به «شهر کلاغ‌ها» راه پیدا کنند.

همان‌طور که خوانده‌اید و می‌دانید، قضیه‌ی «کلاغ‌ها» خود قصه‌ی دیگری است که در کتاب «اولدوز و کلاغ‌ها» نوشته شده است. قصه‌ی «عروسک سخن‌گو» همین‌جا تمام شد.

نویسنده‌ی این کتاب می‌گوید:

من سال‌ها بعد از گم شدن عروسک سخن‌گو با اولدوز آشنا و دوست شدم چنان‌که خود اولدوز در مقدمه‌ی کتاب «اولدوز و کلاغ‌ها» نوشته است. من در ده‌ننه‌ی اولدوز با او آشنا شدم. آن وقت‌ها اولدوز دوازده سیزده ساله بود. من در همان‌ده معلم بودم. آخرش من و شاگردانم توانستیم عروسک سخن‌گوی اولدوز را پیدا کنیم. این احوال، خود قصه‌ی دیگری است که آن را در کتاب «کلاغ‌ها، عروسک‌ها و آدم‌ها» خواهم نوشت. از همین حالا منتظر چاپ این قصه باشید.

دوست همه‌ی بچه‌های فهمیده

و همه‌ی دوستان اولدوز و یاشار

و کلاغ ها و عروسک سخن گو

ب.

منبع: قصه های صمد بهرنگی: کتاب اول جلد اول مجموعه قصه ها

(ناشر: کتاب ارزان ۱۹۹۸) چاپ اول

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴